

آلات موسیقی قدیم ایران

و دیگر کشورهای خاورمیانه

از دکتر مهدی فروغ

۷

چنگ و «لیر»

در مقاله شماره پیش درباره قانون و سنتور که دارای سیمهای آزاد (اوتار مطلقه) است باختصار صحبت کردیم اینک میخواهیم راجع بسازهای دیگر این گروه که نویسندگان و مورخان ایرانی و ترک و عرب درخصوص آنها چیز نوشته اند مطالبی بیان کنیم. سازهای مزبور عبارتند از: چنگ و لیر. نویسندگان ایرانی و عرب سازهایی را که دارای سیمهای باز (اوتار مطلقه) بوده تحت عنوان معازیف که مفرد آن معزفه است ذکر نمیکرده اند^۱ ولی در طی زمان این کلمه معنی وسیعتری بخود گرفت و بکلیه سازهای زهی و حتی در بعضی موارد بسازهای بادی هم اطلاق میشده است.

در مقالات سابق مکرر متذکر شده ایم که بنا بشواهد و اسناد موثقی که از حجاریهای بابل و آشور و نواحی مجاور آن در دست است چنین استنباط میتوان کرد که در هشت قرن پیش از میلاد مسیح انواع و اقسام سازهای

۱ - همچنانکه سازهای زهی شبیه به بربط و لیر وعود را بهتر ترتیب برابط و لیران و عیدان مینامیدند.

مختلف در نواحی مزبور بمدارج کافی ترقی رسیده و در دست نوازندگان بوده است. لاقلاً هشت نوع ساز مختلف در این حجابریها میتوان تشخیص داد. دوره اقتدار و فرمانروائی بابل از ۲۲۲۵ تا ۷۴۵ پیش از میلاد مسیح یعنی در حدود ۱۴۸۰ سال دوام داشته است. نقشهائی که از اوایل این دوره ممتد تاریخ تمدن بشر، از آلات موسیقی در دست است نشان میدهد که چنگ و لیر مثل سنتور و قانون از جمله سازهای بسیار قدیمی است که از دوهزار سال پیش از میلاد در این نواحی رایج بوده است. انواع ابتدائی آن بشکل مثلث و

شامل يك تخته

بطول تقریباً

يك گز و يك میله

چوبی بوده که

بطور عمودی

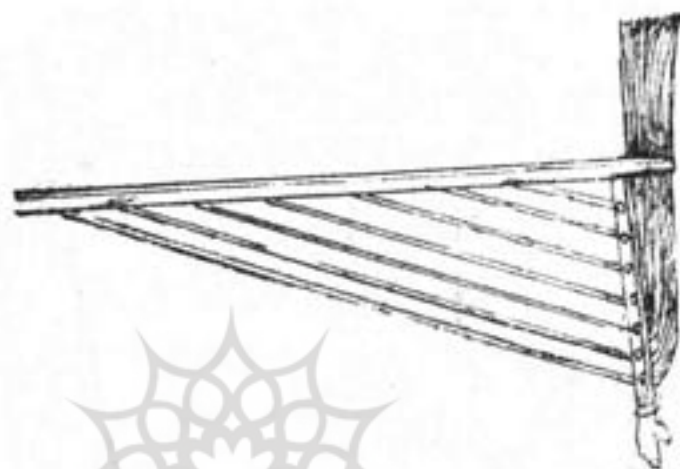
بر يك انتهای

این تخته نصب

میشده است.

انتهای دیگر

این میله چوبی



شکل دست انسان را داشته است.

سیمهای این ساز که معمولاً هشت یا نه تا بوده است بموازات و ترابن مثلث قائم الزاویه بین تخته و میله امتداد مییافته. يك سر سیمها بتخته محکم وصل و انتهای دیگر آن دور میخها یا گوشیهائی که روی میله چوبی قرار داشته پیچیده میشده و باقیمانده آن از طرف دیگر آویزان بوده است. چنین بنظر میرسد که با پیچاندن گوشیهها سیمها را شل و سفت میکردند. از حجابریهای مزبور همچنین برمی آید که سیمهای این ساز از حیث کلفتی همه یکسان بوده اند بنا بر این تفاوت صوت فقط در نتیجه اختلاف در طول سیمها حاصل میگردد. نوازنده، با احتمال قوی ساز مزبور را هنگام نواختن بگردن خود می آویخته بطوری که ساز در سمت چپش قرار میگرفته و بتوسط زخمه یا قلمه چوبی که در دست راست داشته بسیمها می نواخته است. و از دست چپ خود برای ایجاد تنوع در اصوات و ریتم و آهنگ استفاده میکردند.

نکته دیگری که از این نقشها درك میشود اینست که نوازنده چنگ بلکه نوازنده عموم سازها در بابل و آشور ایستاده ساز مینواخته اند و این شاید بجهت رعایت احترام بولی نعمت یا پادشاه بوده است .
 اما چنگهایی که در دوره های اخیر تاریخ بابل و آشور نقش شده از حیث شکل و طرز گرفتن و نواختن با چنگهای دوره های قدیم تفاوت بسیار دارد . البته شکل آن هنوز تقریباً همان مثلث است ولی با این تفاوت که قاعده آن را که يك تخته بود بیک جعبه صوتی تبدیل کرده اند . بعلاوه گوشیهایی که يك سرسیم بآن وصل میشد روی این جعبه قرار داشت و سر دیگرسیم بمیله چوبی ، محکم بسته میشد و ثابت بود . تعداد سیمها نیز تا حدود هفده سیم افزایش یافت چنانکه از دو شکل ۳ و ۲ بره ی آید جعبه صوتی



گاهی مستقیم و بدون انحناء و در موارد دیگر منحنی بوده است. طرز نواختن این ساز نیز تغییر کرد باین معنی که آنرا طوری میگریختند که سیمها تقریباً عمود بر زمین باشد یعنی برخلاف دوره قدیم میله چوبی بموازات زمین بوده نه تخته. نکته دیگر اینکه در نواختن آن دیگر چوب یا زخمه بکار نمیبردند بلکه آنرا بادست مینواختند و هر دو دست در نواختن آن دخیل بود.

پیش از اینکه بحث خود را در باره چنگ و سیر تحول آن ادامه دهیم اشاره باین نکته نیز ضروری است که از ساز معروف لیر که نزد عموم علمای ساز شناسی ارتباطش با یونان قدیم محرز و مسلم است نمونه‌هایی در نقشهای آشور و بابل موجود میباشد. ابتدائی‌ترین شکل این ساز را در حجاریهای آشوریه‌ها میتوان یافت که بصورت مثلث و دارای چهار سیم میباشد و سیمهای آن بموازات قاعده بدو ضلع مثلث وصل شده است.

چنین بنظر می‌آید که بدنه این ساز از چوب ساخته شده باشد و هیچگونه تزئینی در آن بکار نرفته است. شکل لیری که در اینجا ملاحظه میفرمائید روی تخته سنگی که «لفتوس» (Loftus) در کاخ آشور بانیپال یافته نقش شده است و اگر نقشهای مربوط به لیرهای منسوب باقوام یهود را استثناء کنیم این تنها نقش روی سنگ است که از این ساز در دست میباشد.



نوع دیگر لیر که شباهت زیادی به لیر مصری دارد ۱ دارای جعبه صوتی بزرگی بوده که قاعده مربعی را تشکیل میداده و هنگام نواختن این جعبه صوتی زیر بازوی چپ نوازنده قرار میگرفته است.

چنانکه در نقاشی صفحه مقابل شکل بالا ملاحظه میشود قسمت عمده آن برور ایام از بین رفته و محو شده و نمیتوان کاملاً تشخیص داد که چند سیم داشته است. هشت سیم آن مسلم است و از روی قرینه و اندازه تقریبی ساز میتوان حدس زد که سیمهای آن نه یا ده تا بوده است.

۱ - مصریها هم لیری مثلثی شکل داشته‌اند که بی‌شبهت به لیر بابلیها نبوده است.

سیمها از میله چوبی مقابل
 جعبه صوتی کشیده شده و طول آنها
 مساوی است و اگر صدای آن مختلف
 بوده لا بد جنس آنها باهم اختلاف داشته
 است. این لیر را نیز با دو دست
 مینواختند و نوازنده برای راحتی خود
 آنرا با تسمه ای بگردن خود
 میآویخت.



نوع سوم لیر که بزرگتر و از
 حیث شکل زیباتر از دو نوع سابق-
 الذکر است با احتمال قوی در قسمت
 پایین دارای جعبه صوتی بوده است
 ولی در نقشی که از آن در دست است
 جعبه صوتی زیر بازوی چپ نوازنده
 پنهان است و دیده نمیشود. باین
 جعبه صوتی دو میله چوبی وصل شده



که در قسمت فوقانی بتوسط میله
 چوبی منحنی دیگر بیکدیگر متصل
 بوده است. تعداد سیمهای این انواع
 لیر هفت یا پنج بوده است.
 اما از حجار پوسای دوره
 درخشان ساسانی نیز نقشهائی از
 سازهای مزبور یافت میشود که
 ارتباط آنها با سازهای بابلیها
 و آشوریها تا حد زیادی مسلم میباشد.
 نقشهای برجسته طاقستان (بفستان)
 یکی از منابع بسیار مهم تحقیق

راجع بسازهای دوره ساسانی میباشد .

چنانکه میدانیم پادشاهان و فرمانروایان ساسانی علاقه و عشق مفراطی بشکار حیوانات وحشی داشتند و تفریح و تفنن شکار را بالذات موسیقی عموماً توأم میکردند . نوازندگان همیشه همراه خود داشتند که در ساعات فراغت و استراحت خاطر خود را بنوای ساز آنها خوش میساختند .

در نقشهای طاقستان دو صحنه شکار هست که عده ای نوازنده سازهای مختلف از جمله چنگ و دف و مزامیر و نای و کر نای و شیپور در آن دیده میشود . این دو صحنه یکی صحنه شکار گراز است که در آن در دو جادسته ای چنگ نواز نشان داده میشوند . یک دسته در کرجی سلطنتی و دسته دیگر در کرجی مخصوص سازندگان و نوازندگان جای دارند . صحنه دوم مربوط بشکار گوزن است . در این صحنه نیز دو دسته نوازنده هست که یک دسته در ست راست و دسته دیگر که در واقع دسته موزیک نظامی است در ست راست قرار دارد . نقشهای مزبور تا این اواخر بر خاور شناسان چندان معلوم نبود ولی در نتیجه ظهور صنعت عکاسی و در سایه همت و دقت دکتر «آرتور پوپ» (Dr. Arthur Upham Pope) عکسهای دقیقی از آنها برداشته شد . علاقمندان میتوانند عکسهای مزبور را در مجموعه بسیار گرانبهای پوپ بنام «مطالعه صنایع ایران» (Survey of Persian Arts) که در هفت مجلد قطور و بزرگ بنوسط این خاور شناس امریکائی گرد آمده ملاحظه فرمایند با این عکسها ما تقریباً بطور محقق بوضع و شکل چنگ و طرز نواختن آن آگاه میشویم . تحقیقات دکتر «اون والای» (Dr J. M. Unvala) در ماخذ پهلوی که در ۱۹۲۲ میلادی در رساله ای در پاریس بچاپ رسیده نکات شایان توجهی راجع بآلات موسیقی دوره ساسانی بدست میدهد . همچنین «کریستن سن» در رساله خود تحت عنوان (La vie Musicale dans la Civilisation des Sassanides) که در سال ۱۹۲۶ در پاریس منتشر شده نیز اطلاعات مبسوطی در اینخصوص بماندهد . ولی با ملاحظه دقیق عکسهایی که پوپ از این صحنه ها گرفته نکات زیادتری راجع بسازهای مزبور بر ما مسلم میگردد . در صحنه اول یعنی در صحنه شکار گراز دو نوع چنگ دیده میشود . در یکی از آنها جمبه صوتی در بالا قرار دارد در حالیکه در دیگری در پایین

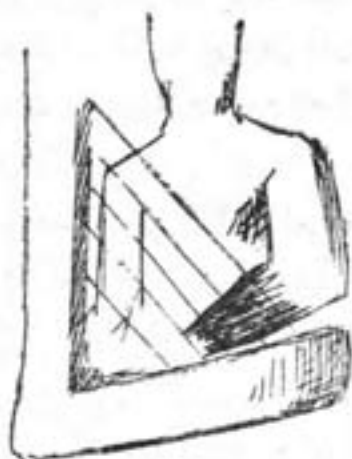
است. نمونه اخیر یعنی آنکه جعبه صوتی‌اش در پایین است بسیار جالب توجه می‌باشد زیرا اولاً قدیمتر از انواع دیگر چنگ است و نوع آن بسیار نادر می‌باشد. جعبه صوتی این چنگ را که بشکل افقی روی زمین قرار گرفته از چوب می‌ساختند و میله چوبی که گوشه‌ها روی آن بوده از جنس سختی ساخته شده است. این نوع چنگ درست شبیه چنگهایست که سه هزار سال پیش از میلاد در دست سومریها بوده است و گالپین (Garpin) در رساله خود



بنام «موسیقی سومریها» نمونه‌ای از این چنگ را بدست داده است. چنین بنظر میرسد که این نوع چنگ اختصاص داشته است بمواقع و محافل بخصوصی و در نقشهای طاقستان نیز نوازنده این چنگ در کرجی سلطنتی است. چنین استنباط میشود که این چنگ دارای ده سیم است و چنانکه ملاحظه گردید چنگهای آشوری و بابلی نیز ده سیم داشته است. در صحنه شکار گوزن نیز نوازنده اول گروه سازندگان این نوع چنگ را مینوازد.

از نقشهای بابل و آشور هم این اهمیت در مورد این نوع چنگ محسوس است، در زبان فارسی این نوع چنگ را ون مینامیده‌اند و لی در اغلب فرهنگهای فارسی آنرا بمعنی سنج کوچکی که در انگشت میکنند و مینوازند تعبیر کرده‌اند و این اشتباه از این جهت است که فرهنگ نویسان فارسی بتقلید و تبعیت فرهنگ نویسان عرب در معانی سازها و تشریح انواع آن دقت کافی بکار نمی‌بردند. کما اینکه کلمه سنج را که در اصل بچنگ اطلاق میشده در مورد سنج معمولی که از دو پارچه برنج تشکیل شده و همراه سازهای ضربی آنرا مینوازند بکار برده‌اند. فرهنگ برهان قاطع مینویسد: ون - بفتح اول و سکون ثانی. . . . و سنجی که بانگستان نوازند این کلمه اصلاً پهلوی است و «اون والا» (Unvala) و کریستن سن آنرا وین، اولی بایاء کوتاه و دومی با یاء ممتد نوشته‌اند و محتمل است با کلمه وین یا که در هندوستان نام سازی است بی ارتباط نباشد.

واما چنگی که جعبه صوتی اش در بالا قرار دارد باندازه چنگی که هم اکنون شرح آن داده شد قدیمی نیست با این وصف انواع مشابه آن را در بین سازهای معمول بین بابلیها و آشوریها و عیلامیها و مصریها میتوان یافت. در نقشهای برجسته طاقستان دو نوع ممتاز از این شکل چنگ یافت میشود. در یکی از آنها میله چوبی عمود بر جعبه صوتی است و در دومی يك زاویه حاده با هم میسازند.



اولی در صحنه شکار گراز است و بی شباهت بچنگهای مصری نیست. تعداد سیمهای چنگهایی که در این صحنه نقش شده از نه تا دوازده میباشد. يك انتهای سیم ببيخهائی که در پهلوی جعبه صوتی است محکم و ثابت است و انتهای دیگر سیم همچنانکه در چنگهای باستانی آشوری شرح دادیم بميله چوبی وصل است.



چنگ با زاویه حاده که جعبه صوتی آن محققاً منحنی است در صحنه شکار گوزن است. تعیین تعداد سیمهای این ساز مشکل است ولی با احتمال نزدیک یقین و با استناد اسنادی که در دست است معلوم میشود که پانزده سیم داشته است. این چنگ شباهت زیادی بچنگهای عیلامی دارد با این تفاوت که چنگهای عیلامی سوراخهایی هم برای اخراج صدا داشته است.

این نوع چنگ در زبان پهلوی و فارسی چنگ نامیده میشده است و این کلمه بمعنی خمیده و منحنی است. در برهان قاطع میگوید: چنگ بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی منحنی و خمیده را گویند و مطلق قلاب باشد و نام ساز است مشهور

در عهد ساسانی چنگ معروفترین و محبوبترین سازها بوده است چنانکه در شاهنامه نیز از آن زیاد نام برده میشود. نکیسای موسیقی دان معروف دربار خسرو پرویز در نواختن آن مهارت تام داشته و عموم شعرا و گویندگان در اشعار خود آنرا زیاد ذکر کرده اند.

تا آنجا که منابع موجود نشان میدهد این دوساز یعنی چنگ و لبرهم در اصل در نواحی ایران و عراق رواج داشته و ارتباط آن با ملل خاورمیانه بنا به مدارک و اسنادی که شرح دادیم مسلم میگردد. البته بعضی از نویسندگان عرب در اثر بی اطلاعی آنها را بروم شرقی و برخی یونان نسبت داده اند. یکی از نویسندگان اعراب اسپانیا بنام محمد ابراهیم الشلاجی؟ که در قرن هفدهم هجری میزیسته در کتاب خود بنام الامتاع والانتفاع (الامتقاع) فی مسئله السماع السماع که تنها نسخه خطی آن در کتابخانه مادرید است بنا بر روایت دکتر هنری جرج فارمر (Dr Henry George Farmer) موسیقی شناس انگلیسی نقل کرده است که صنج (چنگ) يك ساز رومی است که البته مقصودش روم شرقی است. ولی فارمر این اظهار را در کتاب خود بنام «آثار علمای اعراب مغرب راجع بالآلات موسیقی» رد میکند و معتقد است که یونانیها تمام سازهای شبیه به چنگ و بسیاری از سازهای دیگر خود را از همسایه های شرقی خود به عاریت گرفته اند در شماره آینده در باره سیر تحول چنگ بعد از اسلام بحث خود را ادامه خواهیم داد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی